



Qur'anic Documentation of the Qualities of a Competent Manager from the Perspective of the Supreme Leader*

Seyyed Ali Ahmad Rezaei*

Abstract

Undoubtedly, the type of management that can secure the worldly and spiritual well-being of people is one that is derived from Qur'anic teachings and grounded in the guidance of divine prophets and saints. In the contemporary era, the Supreme Leader stands as an unparalleled manager who, for more than four decades, has been able to lead and guide society—and beyond society—through practical management. Through his prudent directives, he has highlighted the characteristics of competent leadership. Therefore, it is necessary to analyze the Qur'anic foundations of these managerial qualities from his viewpoint. Using a descriptive-analytical method and drawing upon the Supreme Leader's statements, the present study examines this issue. The findings indicate that competent management possesses qualities such as: faith and piety; expertise and commitment—since the unfaithful will be held accountable by God; trustworthiness—because the managerial position is essentially a trust; good character and gentleness; being people-oriented and service-driven; self-awareness; decisiveness; adherence to hierarchy; and delegation of authority.

Keywords: Management in the Qur'an, competent management, Qur'anic documentation, managerial views of Imam Khamenei.

*. Received: ۲۴/۱۱/۱۴۰۳ SH (۱۲/۰۲/۲۰۲۰ CE) and Accepted: ۲۸/۰۳/۱۴۰۴ SH (۱۸/۰۶/۲۰۲۰ CE).

*. PhD Researcher in Quran and Sciences (Management Orientation), Al-Mustafa International University, Qom-Iran: rezaeesayedaliahmad۳۱۳@gmail.com



مستندات قرآنی و ویژگی‌های مدیر شایسته از نگاه مقام معظم رهبری*

سید علی احمد رضایی*

چکیده

بدون تردید مدیریتی می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی مردم را تأمین نماید، که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و بر اساس رهنمودهای انبیا و اولیای الهی باشد. مقام معظم رهبری در عصر کنونی به عنوان یک مدیر بی‌بدیل بوده و توانسته بیش از چهار دهه جامعه و فراتر از جامعه، را همراه با عمل مدیریت نماید. معظم‌له با رهنمودهای مدبرانه‌اش به ویژگی‌های مدیریت شایسته اشاره نموده است. لذا ضرورت است که مستندات قرآنی و ویژگی‌های مدیریت شایسته از نگاه مقام معظم رهبری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تمسک به بیانات مقام معظم رهبری مسئله یاد شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مدیریت شایسته دارای ویژگی‌های همچون: ایمان و تقوا، تخصص و تعهد، زیرا بدعهدان مورد بازخواست خدای متعال قرار می‌گیرد، امانت‌داری، چون مسند مدیریت درواقع امانت است. حسن خلق و نرم‌خویی، مردمی بودن و خدمت به خلق، خودآگاهی، قاطعیت، رعایت سلسله مراتب و تفویض اختیار است.

واژگان کلیدی: مدیریت در قرآن، مدیریت شایسته، مستندات قرآنی، دیدگاه‌های مدیریتی امام خامنه‌ای.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۳/۲۸

*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمية، قم- ایران:

rezaeasayedaliahmad312@gmail.com



مقدمه

یکی از دلایل که امروزه اکثر مردم جهان دچار رنج شده و با انواع سختی‌ها زندگی می‌کنند، عدم مدیریت شایسته است. برعکس هر جا مدیریت شایسته صورت بوده مورد استقبال مردم قرار گرفته است. بدون تردید تنها مدیریتی می‌تواند آسایش و آرامش، منافع مادی و معنوی مردم را تأمین کند که برگرفته از آموزه‌های قرآنی باشد. قرآن کریم بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتاب رهنما در میان بشر بوده است؛ که در همه عرصه‌ها حامل پیام و اصولی است از جمله مدیریت. مدیریتی که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و تأسی به آن شکل گیرد قطعاً ناجی و امیدبخش برای مردم خواهد بود. همانند مدیریت مقام معظم رهبری! امروزه اگر با اذهان و افکار به‌دوراز تعصب قضاوت صورت گیرد دانسته می‌شود که مدیریت معظم‌له نجات‌بخش جامعه است. با توجه به مهم بودن مسئله نویسندگان تصمیم گرفتند که مستندات قرآنی ویژگی‌های مدیریت شایسته از نگاه مقام معظم رهبری را مورد بررسی و تبیین قرار دهند.

پیشینه تحقیق

یکی از دلایل که امروزه اکثر مردم جهان دچار رنج شده و با انواع سختی‌ها زندگی می‌کنند، عدم مدیریت شایسته است. برعکس هر جا مدیریت شایسته صورت بوده مورد استقبال مردم قرار گرفته است. بدون تردید تنها مدیریتی می‌تواند آسایش و آرامش، منافع مادی و معنوی مردم را تأمین کند که برگرفته از آموزه‌های قرآنی باشد. قرآن کریم بزرگ‌ترین و جامع‌ترین کتاب رهنما در میان بشر بوده است؛ که در همه عرصه‌ها حامل پیام و اصولی است از جمله مدیریت. مدیریتی که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و تأسی به آن شکل گیرد قطعاً ناجی و امیدبخش برای مردم خواهد بود. همانند مدیریت مقام معظم رهبری! امروزه اگر با اذهان و افکار به‌دوراز تعصب قضاوت صورت گیرد دانسته می‌شود که مدیریت معظم‌له نجات‌بخش



جامعه است. با توجه به مهم بودن مسئله نویسندگان تصمیم گرفتند که مستندات قرآنی ویژگی‌های مدیریت شایسته از نگاه مقام معظم رهبری را مورد بررسی و تبیین قرار دهند.

مفهوم‌شناسی

پرداختن به مفاهیم برای مرتفع شدن ابهامات، از ملزومات یک تحقیق بوده است که در نخست به تعریف مدیریت اشاره می‌شود.

۱. مدیریت

مدیریت در لغت به معنای «توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های موردنظر، اداره کردن، لیاقت، شایستگی، توانایی، اداره‌کننده یا اداره‌کنندگان یک اداره، سازمان و شرکت، ذکر شده است.» (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۴۴/۴۴؛ معین، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۹۷۳). مدیریت را در اصطلاح اینگونه تعریف کرده‌اند: «مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول، صورت می‌گیرد.» (رضائیان، ۱۳۸۷: ۷) در تعریف دیگر نوشته شده است «مدیریت، علم و هنر هماهنگ نمودن کوشش‌ها در یک سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین است.» (الوانی، ۱۳۹۱: ۱۱). پس در یک جمع‌بندی از تعاریف فوق می‌توان گفت: مدیریت، علم و هنری است که با به‌کارگیری نیروی انسانی، مادی، فیزیکی و معنوی برای نیل به اهداف از قبل تعیین شده با ضوابط و قوانین بشری و الهی، پرداخته می‌شود.



۲. مدیریت شایسته

مدیریت شایسته، به معنای داشتن توانایی، اختیار، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت است. این مولفه مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، علایق، تجارب و توانمندی‌ها در یک شغل یا نقش خاص است که موجب می‌شود فرد در سطحی بالاتر از حد متوسط در انجام وظیفه و ایفای مسئولیت خویش به موفقیت دست یابد (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۳). در واقع شایستگی عبارت است از ویژگی‌ها و رفتارهایی که منجر به اثربخشی فرد در محیط شغلی می‌شوند (غفاریان، ۱۳۷۱: ۷۲).

دانشمندان و صاحبان نظران علم مدیریت، برای این مفهوم تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه کردند که در اینجا به اهم آن‌ها اشارت می‌شود.

برای واژه Empowerment در زبان فارسی، معادل‌های: توانا ساختن، قادر ساختن، خوداتکائی، تواناسازی، توانمندسازی و... بکار برده می‌شود. ولی اصطلاح «توانمندسازی» نسبت به سایر واژه‌ها رواج بیشتری پیدا کرده است. (فرهی بوزنجاتی، ۱۳۸۵: ۱۲)

از آنجایی که موضوع این تحقیق توانمندسازی منابع انسانی در قرآن کریم می‌باشد، بنابراین شایسته است که معادل این واژه در زمان عربی و مخصوصاً منابع دینی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس تحقیقی که یکی از پژوهشگران در خصوص معادل عربی واژه توانمندسازی انجام داده و از روش‌های مصاحبه با کارشناسان، اولویت‌سنجی با تست خبرگی، معناییابی از لغتنامه‌ها و مفهوم‌شناسی اصطلاحی بهره برده‌اند، به این نتیجه رسیدند که معادل عربی این واژه، کلمه «رشد» می‌باشد. کارشناسان، لغت یا لغاتی دیگری را نیز به عنوان واژه معادل برای «توانمندسازی» معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از: استوی، اشده، بلوغ، توفیق، تربیت، رشد، سعه، سداد، قدرت...، قوت و کمال. از میان لغات مذکور مناسب‌ترین واژه برای معادل توانمندسازی واژه «رشد» است (مهرابی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).



تحلیل قرآنی ویژگی‌های مدیریت شایسته

سرشت و طبیعت جامعه بشری، طوری هست که به‌دوراز مدیریت و سرپرستی و رهبری، امکان‌پذیر نیست. خواه آن مدیر، عادل باشد یا ظالم. جهان امروزی هردو نوع مدیریت را مشاهده و تجربه نموده است. هر جا اقامه قسط و برپایی عدالت، مبارزه با تبعیض، مبارزه با فساد اداری و اخلاقی، مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم، خدمت‌رسانی به مردم، همراهی با فقرا، ایجاد کار و اشتغال و... حاکی از مدیریت سالم و عادل بوده است. برعکس، هر کجا ظلم و فساد، تبعیض و... بوده نشان‌دهنده مدیریت ظالم است؛ بنابراین مدیریت شایسته و مطلوب و موردنظر قرآن و رهبر معظم انقلاب که امروزه خود عامل به آن بوده است، دارای ویژگی‌های همچون:

۱. ایمان و تقوا
۲. تخصص و تعهد
۳. امانت‌داری
۴. حسن خلق و نرم‌خویی
۵. مردمی بودن و خدمت به خلق
۶. خودآگاهی
۷. قاطعیت
۸. سلسله‌مراتب
۹. تفویض اختیار، است که در اینجا به توضیح و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. ایمان و تقوا

اولین ویژگی مدیریت شایسته در منطق قرآن و اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، ایمان و تقوا است. بدون شک مدیریت و رهبری کسانی در جامعه مفید و مؤثر و نوعی خدمت محسوب می‌شود که ایمان و تقوا داشته باشند؛ زیرا امروزه ثابت شده هر جای که مدیران از ایمان و تقوا برخوردار بودند نتیجه مطلوب و شایسته‌ای به‌دست آمده و هر جای که ضعف ایمان و تقوا وجود داشته، موجب مشکلات و معضلات عدیده‌ای در جامعه شدند.

ایمان و تقوا در مدیران باعث می‌شود تا وظایف به‌طور شایسته و احسن انجام شده و از کم‌کاری، فساد اخلاقی و اداری و... جلوگیری و مانع از ترویج آن در میان اعضای سازمان‌ها شود. ایمان و تقوای مدیران یعنی انجام واجبات و مستحبات کاری، در حین انجام وظیفه و



دوری از محرمات و مکروهات کاری؛ یعنی مدیران توجهشان به این باشند که ببینند چه چیزی جزء وظایف بوده آن را انجام دهند و چه چیزی را نباید انجام دهند. در مورد تقوا و نقش آن در مدیریت و رهبری، پیروز می‌نویسد: تقوا به عنوان یک عامل درونی، اعمال و رفتار و نیت‌های انسان را تحت مراقبت شدید قرار می‌دهد و برای انجام دستورها و خواسته‌های خداوند متعال اصرار می‌کند و انسان را از آلوده شدن به گناه و سرپیچی از اوامر الهی باز می‌دارد. (پیروز و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳۶-۲۳۷).

مقام معظم رهبری نیز، یکی از ویژگی‌های مدیریت شایسته را، همین صفت ایمان و تقوا دانسته، می‌فرماید: «خاصیت ایمان و تقوا فقط این نیست که دل انسان‌ها آباد می‌شود، بلکه دست و جیب انسان‌ها هم پر می‌شود، سفره‌ی انسان‌ها هم رنگین و بازوی آن‌ها قوی می‌گردد. ایمان و تقوا این خصوصیت را دارد» (بیانات در اجتماع مردم قائن، ۱۳۷۸/۶/۸) وقتی انسان تقوا داشته باشد، وقتی برای خدا کار کند و اخلاص پیشه نماید، خدای متعال به کارهایش برکت می‌دهد. (در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت، ۱۳۷۸/۶/۲). همچنین معظم‌له در بیان دیگر به مسئولان کشور، داشتن تقوا و ایمان را توصیه و آن را از خصوصیات یک مدیر دانسته می‌فرماید: «سه خصوصیت در مسئولان کشور لازم است، که اگر این سه خصوصیت در آن‌ها وجود داشت، آنگاه این نیروی عظیم ملی می‌تواند جلوه‌ی هر گونه خباثت و دشمنی دشمنان را بگیرد. این سه خصوصیت، تقوا و شجاعت و خودآگاهی است. مسئولان کشور - فرق نمی‌کند؛ در همه‌ی قوا؛ چه یک مدیر دولتی، چه یک قاضی دادگستری، چه یک نماینده‌ی مجلس، چه عضو شورای نگهبان، چه عضو مجلس خبرگان، چه مسئولان نیروهای مسلح - باید این سه خصوصیت را داشته باشند تا کشور آسیب‌ناپذیر باشد.» (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).



لازم به ذکر است در صورت که عمل صالح بر اساس ایمان و تقوا صورت گیرد ولو برکات را نداشته باشد، اجر و مزد آن‌ها ضایع نشده و خدای متعال ثواب آن را خواهد داد. چنانچه معظم له در بیانات دیگر فرمودند: «آیات کریمه‌ی قرآن دلالت می‌کنند که اگر ملتی عمل صالح انجام داد و مخصوصاً آن را با ایمان و تقوا همراه کرد، زندگی و دنیا و عزت و استقلال او تأمین خواهد شد؛ حتی اگر با ایمان و تقوا هم همراه نبود، باز هم خدای متعال پاداش خواهد داد؛ «كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ» (اسرا/۲۰)» (بیانات در، ۱۳۶۸/۴/۱۸). داشتن تقوا و حالت خداترسی سبب می‌شود که انسان همواره از گناه دوری کند و اگر هم به گناهی آلوده شد خدا او را بیامرزد. (جعفری، تفسیر کوثر، ۱۳۷۶: ۴/۳۵۷).

ایمان و تقوا آثار و برکاتی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی فراوانی دارد؛ که هر فرد مخصوصاً مدیران محترم که در مسند خدمت‌گزاری قرار دارند، می‌توانند با اختصاص این ویژگی به خودشان، طعم آن را بچشند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶) فخر رازی در زمینه واژه «برکت» می‌نویسد: «کلمه برکت به دو معنی استعمال می‌شود: گاهی به معنی خیر باقی و دائم؛ و گاهی به [معنی] کثرت آثار فاضله. بنابراین مراد از آیت این است که اگر آنها ایمان و تقوی اختیار می‌کردند، بر آنها آن دروازه‌های نعمت‌های آسمانی و زمینی که دائمی و غیر منقطع می‌باشد، مفتوح می‌گردید؛ و یا آثار فاضله آنها بسیار فراوان می‌شد. (دیوبندی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۸۵).

علاوه بر اینها در قرآن، هم نقش حاکمان و مدیران منافق، بیان شده و هم صالحان و مومنان و متقیان را که در آیه شریفه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج/۴۱). در تفسیر آیه فوق، قرائتی می‌نویسد: «اگر صالحان



حکومت را به دست گیرند، نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و بدین وسیله رابطه خود را با خداوند و محرومان جامعه حفظ می کنند، ولی اگر نا اهل به قدرت رسید و ولایت مردم را به دست گرفت، به خاطر طوفان هوسهای درونی و ناآگاهی‌ها و فشارهای بیرونی، همه چیز جامعه را فدای خود می کند.» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۲۱). طبیعی است که صالحان با قدرتی که پیدا می کنند، زمینه عمل صالح شان بیشتر می شود. لذا با رسیدن به قدرت، به دنبال برپای عمل صالح هستند؛ و در این که مراد از تمکین که در دست افراد صالح قرار می گیرد چیست؟ و آیا افراد صالح منحصر به همه اعصار و زمان است؟

۲. تخصص و تعهد

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیر شایسته، تخصص و تعهد است. در کل مشکلات عدیده‌ای امروزی اکثر سازمان‌ها و جوامع بشری، به دلیل عدم تخصص و تعهد مدیران است. تخصص و تعهد مکمل یکدیگرند. تخصص منهای تعهد و تعهد منهای تخصص نتیجه‌ای نداشته و زمانی موفقیت مدیر حاصل می شود که هر دو بعد وجود داشته باشد. اگر مدیر تخصص داشته باشد ولی تعهد در برابر وظایف را فراموش کند، موفقیتی حاصل نخواهد شد. برعکس اگر مدیری تعهد در انجام وظایف داشته باشد ولی تخصص لازم را نداشته باشد، در این صورت نیز موفقیت حاصل نمی شود. در اسلام ملاک و مشروعیت مدیریت بر مبنای تخصص و تعهد بوده و از بروز هر نوع ضررهای احتمالی که به واسطه مدیران غیرمتخصص در سازمان‌ها و جامعه وارد می شود جلوگیری می کند.

در زمینه تعهد، تقوی دامغانی می نویسد: هیچ عاملی در شکستن مدیر، همانند بی توجهی به وعده‌ها و زیر پا گذاشتن پیمان‌ها نیست. آفت زیان‌بار پیمان‌شکنی نه تنها حیثیت و حرمت مدیریت را می شکند بلکه به عنوان اخلاقی زشت، محیط کار را آلوده و پایه‌های سازمان را



متزلزل می‌کند. (تقوی دامغانی، ۱۳۹۳: ۲۷۵-۲۷۷). مقام معظم رهبری علاوه بر اینکه تأکید بر تخصص مدیران داشته، توصیه بر تربیت مدیران متخصص را نیز دارد. آنجا که می‌فرمایند: «...دانشگاه‌های کشور باید کار کنند، تلاش کنند تا مدیران متخصص را تربیت کنند؛ آموزش و پرورش کشور باید تلاش کند تا جوانان و نوجوانان و کودکان این ملت بزرگ و مبارز و فداکار را شایسته‌ی دوران سازندگی تربیت کند.» (بیانات در جمع مردم تبریز در استادیوم ورزشی تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵).

در اندیشه معظم‌له تخصص و تعهد مدیر تا آنجا اهمیت و ارزش دارد که آن را جزء سرمایه‌های کشور دانسته می‌فرماید: «سرمایه‌های ما افزایش پیدا کرده است؛ زیرا مهم‌ترین سرمایه‌ی یک کشور و یک نظام، نیروی انسانی است. امروز ما صدها برابرِ اوایل انقلاب، انسان‌های متخصص و متعهد و کارآمد در بخش‌ها و نقاط مختلف کشورمان داریم که این‌ها محصول دوران انقلاب‌اند؛ انسان‌های باایمانی که حاضرند همه‌ی وجود و توان علمی و انسانی خود را برای کشور و انقلاب و مردم نثار کنند.» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸). بدون شک اگر در هر سازمان و جوامع موفقیت و پیروزی حاصل شده، مرهون زحمات مدیران متخصص و متعهد و انقلابی بوده است. زیرا تنها کسانی که می‌توانند موفقیت به‌دست آورند مدیران متخصص و متعهد است. توصیه مقام معظم رهبری نیز این است که باید مدیران متخصص در ارگان و سازمان‌های مختلف استخدام بشود. «اهم توصیه‌های این جانب ...به کارگیری نیروهای جوان و متخصص و انقلابی و جریان‌سازی فعالیت جهادی در همه‌ی بخش‌های این بنیاد است.» (حکم انتصاب ریاست بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۴/۳۱)

در منطق و فرهنگ قرآن افرادی که عاری از هرگونه تخصص و دانش هستند هیچ‌گاه مسئولیتی را متقبل نمی‌شوند زیرا می‌دانند که توانایی و شایستگی لازم را ندارد و اگر کسی



غیرازاین مسئولیتی را متقبل می‌شود، نه تنها متعهد نیست، بلکه متعهد نما است. وفای به عهد و عمل به تعهدات بسیار ارزنده بوده که خدای متعال در آیات متعددی انسان را به این عمل ترغیب و دعوت نموده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشارت می‌شود. گاه، انجام این عمل را نسبت به مؤمنان داده و از نشانه‌های آن ذکر می‌نماید. آنجا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون/۱-۸).

قابل یادآوری است که «عهد» در این آیه عمومیت داشته و هر نوع تعهدات را دربر می‌گیرد که مصداق مدیریت شایسته نیز خواهد شد، همان‌گونه که مرحوم طبرسی آیه فوق را عام دانسته و به ذکر اقسام عهد و تعهدات اشاره و رعایت در قبال همه را لازم دانسته می‌نویسد: اما عهد بر سه قسم است: اوامر خداوند، عقدهای واقع میان مردم و نذرها. وظیفه انسان است که به همه اقسام امانت‌ها وعدها وفا کند و هیچ‌یک را تخلف نکند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۳۳). تعبیر «حفیظ» و «علیم» اشاره به دو رکن اساسی مدیریت اقتصادی است؛ یعنی اگر وزیران یا مدیران اقتصادی جامعه، آگاهی و تخصص کافی نداشته باشند، نمی‌توانند وظایف خود را به درستی انجام دهند و اگر تخصص داشته باشند، ولی امانت‌دار و پاسدار بیت‌المال نباشند، منحرف و گرفتار بی‌عدالتی می‌شوند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ج ۱۰: ۱۱۶).

همچنین قرآن، دلیل برگزیده شدن حضرت طالوت را به عنوان یک فرمانده دو چیز می‌داند، تخصص و علم و قوی بودن در جسم. «...إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره/۲۴۷). بنابراین، یکی دیگر از ویژگی مدیریت شایسته، تخصص و تعهد است. منطق قرآن در گزینش و انتخاب افراد برای مدیریت جامعه و سازمان‌ها بر اساس شایستگی و تخصص است. لذا فردی که از تخصص لازم برخوردار هست باید متصدی اداره جامعه به عهده گیرد تا موجب ترقی و پیشرفت در جامعه شده و با عدم شایستگی ظلم به خود و جامعه وارد نکند.



۳. امانتداری

یکی از ویژگی‌های دیگر مدیریت شایسته، امین بودن، است. منظور از امین بودن، یعنی اینکه مدیر نسبت به جایگاهی که دارد به مردم خیانت نرزد. محدوده امانت بسیار گسترده است و منحصر به یک یا دو مورد نیست. درواقع جایگاه و منصب که در اختیار مدیر قرار داده شده نوعی از امانت است که باید از آن مسند برای خدمت به مردم استفاده و از هرگونه خیانت، کم کاری، فساد اخلاقی و مالی، سوءاستفاده و... پرهیز شود. تاریخ گواه بر دولت‌ها است هر آنجای که مدیران، کارگزاران و مسئولان دولت امین بودند و اموال مردم، بیت‌المال را حفظ نمودند، رعیت و مردم نیز را ضی و به احقاق خودشان رسیدند. برعکس هر آنجا و در هر دولتی که مدیران و مسئولان خیانت نمودند آن دولت سقوط و استقرار خودش را از دست داده‌اند. امروزه نیز ما شاهد این دو گروه هستیم و به وضوح می‌بینیم آن دولت‌های که به اثر خیانت و عدم امانت‌داری سقوط و دولت‌های که اکثر مدیران آن امین مردم بوده و استقلال و استقرارش را حفظ نموده است. «بهترین فرد برای سپردن کار و مسئولیت، کسی است که در کار توانا و امین باشد... مسئولیت‌های دولتی امانتی است که هرچند گاه به دست کسانی سپرده می‌شود و هیچ کس حق ندارد جز آن مقدار که شرع و قانون اجازه می‌دهد از آن امکانات بهره‌برداری کند.» (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۷۱).

مقام معظم رهبری نیز ویژگی شخص مدیر را امین بودن دانسته و این ویژگی را به مسئولان محترم توصیه نموده می‌فرماید: چند توصیه می‌کنم به رئیس‌جمهور محترم و برادران و خواهرانی که در بخش‌های مختلف با ایشان همکاری خواهند داشت که این توصیه‌ها را در نظر داشته باشند. این مسئولیت را، این توانایی را، امانت بدانید؛ همچنان امیرالمؤمنین فرمود: این در گردن تو یک امانتی است؛ «وَ اَتَمَّاهِیَ فِی عَقَبِکَ اَمَانَةٌ» این مسئولیت، امانت الهی است در



اختیار من و شما؛ امانت‌داری باید کرد؛ حفظ امانت باید کرد. این آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/ ۵۸) فقط [درباره‌ی] این امانت‌های مادی محسوس نیست؛ این امانت مهم معنوی - که این مسئولیت است - مصداق برتر آن‌ها است. (بیانات در مراسم
تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲)

افزون بر آن در بیانات دیگر از امانت بودن مسئولیت‌ها یاد آور شده می‌فرماید: «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (انفال/ ۲۷) در امانت خیانت نکنید. امانت فقط پولی نیست که شما دست بنده دارید؛ مقامی هم که، مسئولیتی هم که به وسیله‌ی شما به من داده شده امانت است. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از تلاوت قرآن کریم توسط قاریان، ۱۳۹۹/۲/۶). کسانی که متولی جامعه را به عهده داشتند و امانت‌داری نمی‌کردند، درواقع منافقان جامعه بودند؛ زیرا با تبلیغات و وعده‌ها مسند و منصب را به دست آورده و زمانی که مناصب را به دست گرفتند، تعهد و وعده‌هایشان را فراموش نموده و برخلاف آن عمل نمودند. اتفاقاً امروز در اکثر جوامع مردم از دست این گروه متضرر می‌شوند.

اسلام شرط متصدی امور مردم را رعایت امانت‌داری دانسته و به آن دستور می‌دهد. به گونه‌ای که در کنار معرفی پیامبران به این صفت اشاره می‌شود. «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف/ ۶۸) «وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» (یوسف/ ۵۴) «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعراء: ۱۰۷) و اگر حضرت موسی از سوی حضرت شعیب برای دامادی و خدمت‌کار، استخدام می‌شود، برای همین ویژگی امین بودنش است. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَأْبَتِ اسْتَجِرُّهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ» (قصص/ ۲۶). نقش امین بودن مدیر در این است که او با این صفتی که دارد باعث حافظ اموال عمومی و بیت‌المال شده و برای دفاع از مظلوم در برابر ظالم قدم برمی‌دارد. لذا در مدیریت حضرت یوسف می‌بینیم که ایشان اگر ایشان مسئولیت خزانه‌داری را پیشنهاد داده و تصدی می‌کند برای آن است که او می‌دانست



غیر از خودش هرکسی دیگری متصدی این امر بشود به مردم ظلمی صورت خواهد گرفت؛ زیرا قدرتمندان با قدرت که داشتند خودشان را از قحطی نجات می‌دادند و فقرا به دلیل عدم قدرت و عدم دست‌یابی به خزانه‌ها از گرسنگی به کام مرگ می‌رفتند. لذا حضرت تصدی خزانه‌داری را پیشنهاد می‌دهد.

۴. حسن خلق و نرم‌خویی

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت شایسته، حسن خلق و نرم‌خویی است. داشتن حسن خلق از ضروریات و بدهیات یک مدیر در برابر مراجعین است. حسن خلق مدیر علاوه بر اینکه در تسریع کارهای مردم و ایجاد رضایت‌بخشی برای آن‌ها، برای سلامتی روحی شخص مدیر نیز مفید و مؤثر است. مقام معظم رهبری نیز یکی از ویژگی‌های انبیا را حسن خلق دانسته که می‌تواند برای مدیران و همه‌ای مردم الگو باشند. «از ویژگی‌های بارز انبیای الهی داشتن اخلاق نیکو است. آنان همان‌طور که در دیگر زمینه‌ها به‌عنوان الگوی مردم و اجتماع هستند، در زمینه‌ی اخلاق نیکو - چه اخلاق فردی و چه دوباره‌ی اخلاقیات مربوط به مسائل اجتماعی - به‌عنوان الگوی مردم مطرح بوده‌اند.» (بیانات آیت الله العظمی خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به‌مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

همچنین مقام عظمی ولایت گرفتاری بیشتر امروزی جوامع بشری را در عدم اخلاق نیکو دانسته می‌فرماید: «آنچه امروز بیشتر به آن مبتلا هست، عدم حسن خلق است. جامعه‌ای که در آن حسن خلق و مکارم اخلاقی رایج است بهشتی است که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، امروز گرفتاری بیشتر جوامع در نبود اخلاق نیکوست.» (بیانات در تاریخ، ۱۳۸۵/۱/۶). نیز معظم‌له در بیانات دیگر اخلاق را به همه سفارش نموده می‌فرماید: «در این جلسه دوباره‌ی اخلاق صحبت می‌کنیم. در اخلاق، ما نباید نمره کم بیاوریم. پیغمبر ما معلم اخلاق است. پرچم



تهذیب و تکمیل اخلاق را پیغمبر برافراشته و رسالت پیغمبر اعلام کرده. ما باید در زمینه‌ی اخلاق دچار عقب‌ماندگی نشویم. رفتارهای اجتماعی، انضباط، وجدان کاری، قانون‌گرایی و روح دین‌داری - که بعضی آدم‌های بی‌انصاف، روح دین‌داری جوان‌های ما را در معرض تطاول قرار دادند و به نام حرف‌های بی‌محتوا و بی‌منطق و به نام آزادی، دستخوش غارت کردند - از پایه‌های اقتدار است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴/۸/۸).

یکی از رموز موفقیت پیامبران الهی به‌عنوان مدیران جامعه، حسن خلق آن‌ها با مردم بودند. به‌گونه‌ای که بیشترین جذب‌شدگان به خدا نیز به همین سبب بوده است. قرآن کریم دلیل گرایش بسیاری از مردم را به اسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله را در حسن خلق و رفتار ملاطفت‌آمیز رسول خدا می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۱۷۳) «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّالْقُلُوبِ لَآنْفَضُوهَا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹) و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. صاحب تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه می‌نویسد: یعنی نرمی تو با آنها از چیزهاییست که موجب داخل شدن آنان در دین است زیرا تو با صفات کریم و اخلاق حسن و سجایای نیکو که داری برهان و دلیل بر ایشان می‌آوری. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۳۱۵).

نیز در آیه دیگر خدای متعال به واسطه این صفت پیامبرش را توصیف نموده می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) مدیران جامعه می‌توانند با حسن خلق، مروج فرهنگ قرآنی باشند. در شرح حال حضرت یوسف پیامبر (ص) است که آن حضرت با حسن خلقی که داشت، باعث حلّال مشکلات زندانیان و یکتاپرستی آن‌ها شد. از آغاز ورودش به زندان، با اخلاق نیک و حسن خلق و دلداری زندانیان و خدمت آن‌ها و عیادت از مریضان نشان داده بود که یک فرد نیکوکار و گره‌گشا است به همین دلیل در مشکلاتشان به او پناه می‌بردند و از او کمک می‌خواستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۳۷۵).



۵. مردمی بودن و خدمت به خلق

یکی از ویژگی‌های دیگر مدیریت شایسته، مردمی بودن و خدمت به خلق است. بدین معنا که مدیر در بین مردم حضور پیدا نموده و مشکلات و معضلات را از نزدیک مورد بررسی قرار داده و اقدام به رفع آن‌ها نماید. بسیاری از اوقات حقیقت‌های که با حضور مدیر در بین مردم کشف می‌شود، از پشت میز حل نمی‌شود. ارزش مردمی بودن در این است که بعضاً کاری که سال‌ها مردم به انتظار حل شدن آن هست، ممکن با یک یا دو دوره از حضور و با پیگیری جدی حل شود. مردمی بودن مدیران زمانی جواب‌گو و گره‌گشا و حلّال مشکلات مردم است که اولاً: مستمر باشد نه صرفاً در مقاطع کوتاه. ثانیاً: در صورتی که مشکلات مورد بررسی قرار می‌گیرد و وعده‌ای به مردم داده می‌شود، لازم است خلف وعده صورت نگرفته و به وعده عمل شود تا این حضور در بین مردم خروجی مثبت داشته باشد. ثالثاً: در صورتی که مشکل مردم به هر نحوی مرتفع نمی‌شود باید مدیر دلایل عدم آن را به مردم گزارش دهد تا مردم نسبت به اون مدیر و سایر مدیران بدبین نشوند. رابعاً: مبارزه جدی با فساد صورت گیرد. در صورتی که مدیر می‌بیند زمینه فساد در دستگاه‌هایش ایجاد شده و یا شکل می‌گیرد باید برای مرتفع شدن آن گام عملی بردارد؛ زیرا هدف از مردمی بودن مدیر، یعنی اینکه باید جلو ظلم و ستمی که به مردم شکل می‌گیرد گرفت و الا صرف حضور مدیر، با ظلمی که در دستگاه‌های او به مردم صورت می‌گیرد بی‌فایده است.

مدیر اگر هدفش خدمت به مردم و جامعه بود در این صورت، منافع آن‌ها را بر خودش مقدم می‌دارد. همان‌گونه که رحیمی می‌نویسد: مدیر در هر مرتبه‌ای از مدیریت که باشد باید هدفش خدمت‌رسانی باشد و منافع جامعه را بر منافع خود و نزدیکان خود مقدم بدارد. (رحیمی، ۱۳۸۶: ۴۸). مقام معظم رهبری نیز بر مردمی بودن مدیر و خدمت به خلق، تأکید داشته و خطاب



به مدیران می‌فرماید: توصیه‌ی سوّم، همین مسئله‌ی رفتن به میان مردم است؛ این را از دست ندهید... بروید با مردم روبه‌رو بشوید، حرف مردم را بشنوید... این حضور بی‌واسطه و پُر حجم آقای رئیس‌جمهور در میان مردم خیلی برکات دارد، آثار خیلی خوبی دارد؛ همچنین مسئولان دیگر دولت. البته شما [دولتان را] می‌گویید «دولت مردمی»؛ دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخش‌های گوناگون جلب کنید. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸).

مردمی بودن مدیر بدین معنا است که مدیر خود و اطرافیانش را ملزم به ارتباط با آحاد مردم جامعه دانسته و از نزدیک با حضور خویش از وضع زندگی آن‌ها اطلاع پیدا نموده و در صورت مشکلات، برای رفع آن قدم بردارند. علاوه بر آن زندگی خویش را همانند زندگی مردم تنظیم نموده و همگام با آن‌ها باشند! همان‌طور که مقام معظم رهبری در بیان دیگر می‌فرماید: اینکه ما این قدر می‌گوییم و می‌شنویم که باید مردمی باشیم، یعنی این. مردمی بودن به ادّعا کردن نیست. با مردم، با زندگی مردم کنار بیاییم، مثل مردم زندگی کنیم، با طبقات مختلف مردم انس بگیریم. این، معنای مردمی بودن است. (شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۸/۱۰/۳). مسئله دیگری که در بیانات امام خامنه‌ای در مسئله یاد شده مهم تلقی شده است مردمی ماندن است معظم‌له در این باره می‌فرمایند: «مردمی بمانید، خسته نشوید. صبری که عرض کردیم، یکی از مواردش اینجا است. این جور نباشد که ما اوّل کار مردمی باشیم، بعد به تدریج خسته بشویم، نه؛ واقعاً مردمی بمانید. منظورم این نیست که حتماً این سفرهای استانی باید تا آخر دوره دنبال بشود، نه؛ ممکن است یکجایی متوقف بشود، اشکالی هم ندارد اما مردمی بودن فقط سفرهای استانی نیست؛ ارتباط با مردم، شنیدن از مردم، شنیدن نکات که گاهی نکاتی از مردم عادی شنیده می‌شود که از مشاورین کارگشته‌ی



کارکردهی نزدیک انسان شنیده نمی‌شود؛ انسان از آن بیشتر استفاده می‌کند؛ ارتباط با مردم و گزارش‌های مردمی این [حُسن] را دارد». (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۱/۲۳)

مردمی بودن مدیر، یعنی این که سطح زندگی او با مردم فقیر برابری داشته باشد، سختی‌های که مردم به اثر فقر می‌کشند درک نموده و هر موانع که سدّ راه بدبختی دنیا و آخرت مردم قرار ایجادشده، مرتفع و نسبت به سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها حریص باشد. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان مدیر و مدبر نسبت به سعادت مردم حریص بود و از اینکه می‌دید مردمش به بیراهه می‌روند ناراحت و غمگین بود. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه/۱۲۸). به تعبیر دیگر مدیر نباید نسبت به وضعیت مردم بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت باشد و به حالش هیچ اثری نداشته باشد. آن‌های که مدیریت در اختیارشان هست و توان خدمت به مردم را دارند، مضاف بر آن انگیزه خدمت دارند، در فرهنگ قرآن از آن‌ها به نیکی یادشده است «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵) و این نیکو کاران و خدمت‌گزاران است که رحمت خدای متعال را نصیب خودشان می‌کنند. «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶).

مدیریت شایسته آن است که در انجام کارهای مردم سبقت گرفته شود و قبل از اقدام از سوی دیگران، برای رفع مشکلات آن‌ها قدم نهند. قرآن در آیات متعددی انسان‌ها را دعوت به سبقت‌گیری در کارهای خیر می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/۱۱۴) درواقع گره‌گشایی از کار مردم نوعی عمل صالح محسوب می‌شود و خدای متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون/۶۱). البته قابل‌یادآوری است که انگیزه خدمت رسانی برای مردم زمانی مفید و مؤثر واقع می‌شود که برگرفته از اعتقاد سالم باشد همان‌طور که



طباطبایی می‌فرماید: خیرات عبارت است از اعمال صالح، اما نه هر عمل صالح، بلکه عمل صالحی که از اعتقاد حق منشأ گرفته باشد. خیرات اینها است که می‌بینیم مؤمنین بر سر آن از یکدیگر سبقت می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷). یکی دیگر از آیات که انسان را تشویق به خدمت‌رسانی به مردم می‌کند و خدای متعال نیز خدمت‌کاران به مردم را دوست دارد آیه ۱۹۵ بقره است. می‌فرماید: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ و نیکی کنید که خدا، نیکو کاران را دوست می‌دارد.

۶. خودآگاهی

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت شایسته، خودآگاهی است. خودآگاهی یعنی اینکه مدیر بداند چه چیزی مدیریت او را تهدید می‌کند، مدیریت او چه نقشی در رشد همه‌جانبه جامعه و کدام عامل سبب تباهی جامعه می‌شود، موانع که سد راه او هست از کدام جانب و از کدام سو هست آیا از دشمن است یا از خودی، عمدی است یا سهوی، شخصی که بارشوه می‌خواهد نزدیک شود باید بداند هدف از دادن رشوه چیست، اگر می‌بند فلان چیز در جامعه کمیاب شده باید بداند در کجا غفلت و یا خیانت صورت گرفته است، خودآگاهی یعنی این. خودآگاهی یعنی این که مدیر باید به زمان باشد و همیشه بیدار بوده و از اتفاق‌های که در اطرافش می‌افتد باید بیدار باشد.

در زمینه خودآگاهی مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئولان باید آگاه باشند و بفهمند پیرامون آن‌ها چه می‌گذرد؛ و الا اگر مسئولان و مدیران کشور، نمایندگان مردم، مؤثرترین در دستگاه قضائی و دیگر جاها، آدم‌های خوبی باشند؛ باتقوا باشند و شجاعت هم داشته باشند، اما ندانند امروز صف‌بندی دنیا کجاست و دشمن کجا نشسته است و از کجا حمله می‌کند، ضربه خواهند خورد. (۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). آنچه باعث شناخت مقام و



جایگاه انسان، شناخت اهداف دشمن و راه‌های رسیدن به آن اهداف، می‌شود همین خودآگاهی است. عزت و قدرت یک کشور برعکس زلت و خواری آن بستگی به خودآگاهی مدیران آن کشور دارد. خودآگاهی برای همه‌ی مدیران مخصوصاً سران قوا ضروری و الزامی هست. همان‌طور که مقام معظم رهبری در بیانات دیگر فرمودند: «... امروز یکی از ضرورت‌های مهم این است که مسئولان و نخبگان سیاسی و متصدیان اداره‌ی امور در همه‌ی قوای سه‌گانه و سایر ارکان این کشور، خودآگاهی داشته باشند؛ بفهمند کجا قرار دارند؛ دشمن کجا است و هدف او چیست و راه مقابله‌ی با آن کدام است.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

امروزه اگر دیده می‌شود مدیر و یا مدیرانی در مقابل نقشه‌ها، تهدیدات، تبلیغات دشمن ایستادگی اختیار نمودند برای این است که در آن‌ها روحیه خودآگاهی شکل و تقویت شده است همین‌طور ملت؛ و اما اگر در جای دیده می‌شود که مدیران سر تعظیم در برابر توطئه‌ها و تهدیدات و تبلیغات دشمن، خم نموده‌اند برای عدم روحیه خودآگاهی است. مدیران در خودآگاهی ملت نقش بی‌بدیل دارند زیرا خودآگاهی ملت برمی‌گردد به خودآگاهی مدیر. به همان میزان که مدیر خودآگاه هست، ملت نیز به همان میزان خودآگاهی دارد. در منطق قرآن از خودآگاهی تعبیر به بصیرت شده است چنانچه می‌فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت/۱۴) در مورد واژه «بصیرت» طباطبایی می‌فرماید: کلمه «بصیرت» به معنای رؤیت قلبی و ادراک باطنی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۷۰) انسان‌ها در کل اعم از مدیر و غیر آن، زمانی می‌توانند خودآگاه باشند که خدا را در زندگی فراموش نکنند؛ زیرا هر چقدر انسان خدا شناس باشد خدا نیز او را فراموش نمی‌کند، برعکس هر چقدر انسان از یاد خدا فاصله داشت باشد به همان اندازه خود را فراموش می‌کند. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ دَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ



هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر/۱۹) در تفسیر آیه مکارم شیرازی می‌نویسد: «و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند پس (خدا) خودشان را از یادشان برد؛ فقط آنان نافرمان‌دارند.» قابل توجه اینکه قرآن در اینجا صریحا می‌گوید: فراموش کردن خدا سبب «خود فراموشی» می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳: ۵۴۱).

۷. قاطعیت

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت شایسته، قاطعیت داشتن است. مدیر موفق آن مدیری است که در تصمیم و عمل قاطعیت داشته باشد. قاطعیت مدیر باعث نظم در برنامه‌های آن می‌شود؛ زیرا اگر مدیر قاطعیت در انجام وظایف نداشته باشد، علاوه بر اینکه در برنامه‌ها اختلال ایجاد می‌شود، تسلط بر زیردستان را نیز از دست داده خواهد داد. در زمینه قاطعیت، تقوی دامغانی می‌نویسد:

«یکی از خصوصیات لازم مدیریت، برش و قاطعیت است و مدیر با این خصوصیت همانند تیغ تیزی می‌برد و با برداشتن مشکلات از سر راه، کاروان سازمان را هر چه سریع‌تر به طرف مقصود به پیش می‌برد. همان‌طور که از کلمه «قاطعیت» برمی‌آید این کلمه از ریشه «قطع» به معنی بریدن و جدا کردن گرفته شده که از واژه مقابل آن «وصل» هست و استخدام چنین کلمه‌ای در این گونه موارد؛ به خاطر این است که افراد قاطع مشکلات کارها را می‌برند و با برداشتن موانع گوناگون جاده را برای پیشرفت هموار می‌سازند» (تقوی دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۹۴-۱۹۵)

دیدگاه مقام معظم رهبری این است که مدیران باید قاطعیت و صلابت داشته و هیچ چیز مانع آن‌ها نشود. آنجا که می‌فرماید: «اگر ما خصوصیات زندگی حکومتی امیرالمؤمنین یعنی علی به عنوان یک حاکم را در نظر بگیریم، می‌بینیم که چند خصوصیت عمده در این زندگی



هست: اول، قاطعیت و صلابت در راه حق است. این خصوصیت، اگر نگوییم مهم‌ترین، حد اقل بارزترین خصوصیت زندگی امیر المؤمنین است. آن چیزی که اول از این دستگاه حکومت مشاهده می‌شود، این است که امیر المؤمنین بعد از تشخیص حق، هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی راه حق او را بگیرد. امیر المؤمنین از جمله‌ی کسانی است که در راه خدا، هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد و مانع او بشود؛ آنچه را که تشخیص داد، بدون هیچ گونه مبالاتی عمل می‌کند. (سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱/۲۶)

یکی از اهم دستگاه‌های مدیریتی در جامعه، دستگاه قضا است. سالم بودن این قوه و دستگاه مشروط به داشتن قاطعیت است. در صورتی که قاطعیتی وجود نداشته باشد، فسادهای متعددی جامعه را فرا خواهد گرفت. در بیانات دیگر معظم‌له می‌فرماید: «قاطعیت و انصاف و سرعت عمل و رعایت ضوابط اسلامی، شرایط لازمی است که هرگاه وجود داشته باشد، دستگاه قضائی کشور را مأمّن و ملجأ مظلومین و ضعیفا می‌سازد و در آنان امید به وجود می‌آورد.» (حکم انتصاب آیت‌الله محمد یزدی به سمت ریاست قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۸/۵/۲۴).
خدای متعال به‌عنوان اول مدیر، قاطعیت را اعمال و آن را به فرستاده‌هایش سفارش نموده است. آنجا که خطاب به پیامبر (ص) در مورد عدم طبعیت از قبله اهل کتاب می‌فرماید: «...وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لِّمِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۴۵) برای تاکید و قاطعیت بیشتر به پیامبر اخطار می‌کند که «اگر پس از این آگاهی که از ناحیه خدا به تو رسیده تسلیم هو سهای آنان شوی و از آن پیروی کنی مسلماً از ستمگران خواهی بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۹۸).



۸. رعایت سلسله‌مراتب

یکی از ویژگی‌های دیگر مدیریت شایسته، رعایت سلسله‌مراتب است. منظور از سلسله‌مراتب آن است که دستور از مدیر آغاز شده و به پایین دسته‌ها ختم شود. همان‌طور که امروزه دستوری از رئیس‌جمهور به وزرا و وزرا به زیردستان منتقل می‌شود. خط فرمان یا مسیر دستور، برحسب اهمیت از مقامات بالای سازمان شروع و به کارمندان جزء آن ختم می‌گردد. (رضائیان، ۱۳۸۲: ۱۵) اصل سلسله‌مراتب بیان می‌کند که یک زنجیره روشن و بدون انقطاع فرماندهی، باید همه افراد را در سازمان با سرپرستانشان، از بالاترین تا پایین‌ترین سطح به هم پیوند دهد. (قوامی، ۱۳۸۳: ۳۸۸). سلسله‌مراتب در نزد مقام معظم رهبری جایگاه خاصی داشته و در این زمینه بیانات متعددی دارد آنجا که در مورد نقش سلسله‌مراتب می‌فرماید: «...اهمیت به معنای شأن والای هنری و قدرت تأثیرگذاری آن و مسئولیتی که از این ناحیه متوجه کسانی می‌شود که در سلسله‌مراتب سینما قرار دارند. ممکن است در این سلسله‌مراتب، من هم به‌عنوان یک آدمی که مسئولیتی در نظام دارد، قرار بگیرم؛ آقای وزیر مسلماً در این سلسله‌مراتب قرار می‌گیرند. به‌هرحال، همه احساس مسئولیت کنیم؛ این مورد اتفاق ماست که اهمیت سینماست. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۱۳۸۵/۳/۲۳)

در بیانات دیگر فرمودند: سازمان‌هایی که بر اساس علم و فن اداره بنا شده است به‌ضرورت دارای ویژگی‌هایی نظیر: ... شکل گرفتن اقتدار و مسئولیت افراد در قالب سلسله‌مراتب اداری، جدا بودن درآمد اداری و درآمد شخصی، وابسته ماندن مقامات و سمت‌های اداری به صلاحیت‌ها، می‌باشد. (پیام آیت‌الله خامنه‌ای به گردهمایی اعضای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سراسر کشور، ۱۳۶۸/۳/۸). سلسله‌مراتب ارزش و جایگاه ارزنده داشته می‌فرماید: «...مبادا کسی خیال کند که ما برای آموزش و انضباط و تجهیزات و سازمان‌دهی و



سلسله‌مراتب باید ارزش‌چندانی قائل نشویم؛ نه برای یکایک این‌ها باید ارزش قائل شد. من بارها این حرف‌ها را گفته‌ام و تکرار کرده‌ام و نمی‌خواهم تکرار کنم.» (پیام آیت‌الله خامنه‌ای به گردهمایی اعضای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سراسر کشور، ۱۳۶۸/۳/۸).

در قرآن آیاتی اشاره به سلسله‌مراتب داشته‌اند آنجا که دستور به اطاعت خدای متعال داده، بعد به پیروی از پیامبر گرامی اسلام (ص) و در نهایت به تبعیت ائمه معصومین (ع). می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/۵۹) در تفسیر نور ذیل آیه فوق این‌طور بیان شده: اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است. اطاعت از رسول و ولی‌الامر که امری سیاسی است، به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ» سلسله‌مراتب در اطاعت باید حفظ شود. «اللَّهُ، الرَّسُولُ، أُولِي الْأَمْرِ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۳) همچنین در تفسیر قرآن مهر آمده: سلسله‌مراتب فرماندهی و مدیریت را در جامعه‌ی اسلامی رعایت کنید. (رضایی صفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۷۴).

۹. تفویض اختیار

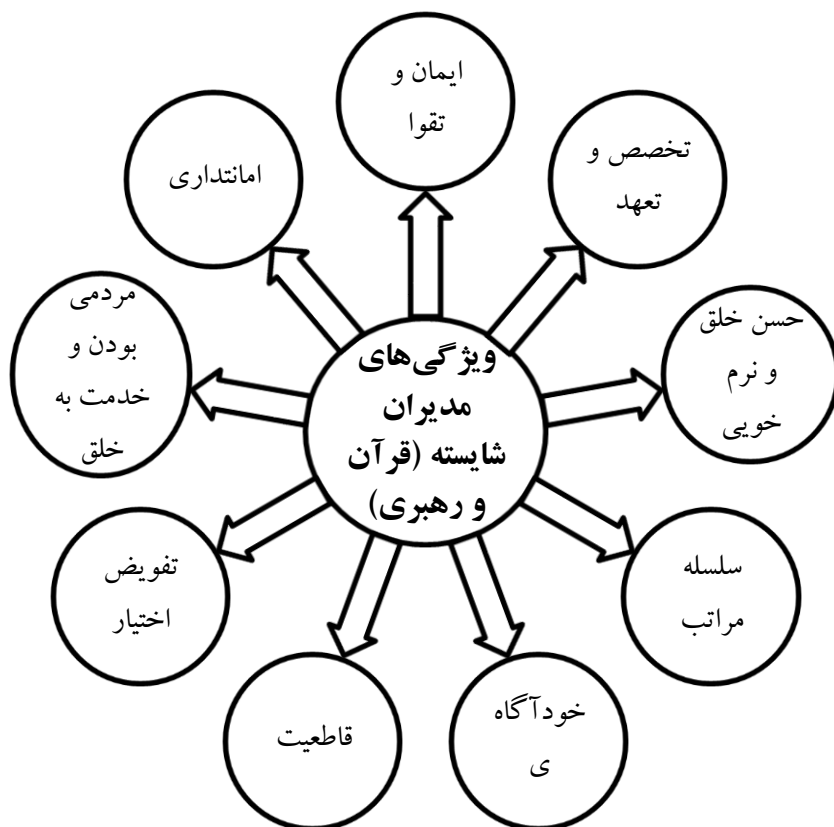
یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت شایسته، مسئله تفویض اختیار است. از آنجا که مسئولیت و وظایف مدیران بیشتر بوده و امکان رسیدگی به همه موضوعات را ندارند، لذا نیاز است برای رسیدگی به همه موضوعات و رسیدن به موفقیت و پیروزی، بخشی از اختیاراتشان را برای زیردستان واگذار کنند. تفویض اختیار، عبارت است از این که رئیس باید اختیارات کافی و متناسب با مسئولیت‌های شغلی واگذار شده را داشته باشد. (سیدجوادین، ۱۳۹۹: ۵۶۳). دیدگاه مقام معظم رهبری نیز این است که باید تفویض اختیار صورت گیرد، همان‌طور که خود ایشان این مقام قضاوت را که یک مقام کاربردی در جامعه است به شخصی واگذار نموده



از سوی نیز از سیره مدیران میانی الهی، برداشت می‌شود که آنها هم نسبت به انجام وظایف تفویض اختیار داشتند به عنوان نمونه: تفویض اختیار حضرت موسی (ع) به برادرش هارون (ع): «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/۱۴۲)



یا زمانی که حضرت شعیب (ع) به دیدن حضرت موسی (ع) آمد، صف طولانی منتظران ملاقات با موسی (ع) را دید. به موسی پیشنهاد کرد که مردم را گروه گروه کند و برای هر دسته، مسئولی معین کند تا بخشی از مشکلات را آن‌ها حل کنند و مسائل مهم‌تر را به موسی علیه‌السلام ارجاع دهند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۹۶). همچنین تفویض اختیار پیامبر گرامی (ع) به امامان دوازده گانه (ع) نیز یکی از آنها است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ...» (مائده/۶۷). بنابراین، از ویژگی‌های مدیریت شایسته، تفویض اختیار است که در صورت به‌کارگیری آن، می‌توان بسیاری از مشکلات موجود در سازمان را حل نمود.



(نمودار مستندات قرآنی مدیریت شایسته از نگاه مقام معظم رهبری)



نتیجه

بر پایه مطالعات و تحقیقات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که؛ مستندات قرآنی ویژگی‌های مدیریت شایسته از نگاه مقام معظم رهبری دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱- ایمان و تقوان؛ زیرا در صورتیکه مدیر دارای ایمان و تقوا باشد، از آثار و برکات آسمان و زمین برخوردار خواهد شد.

۲- تخصص و تعهد: چون با برخورداری مدیر از تخصص و تعهد پیشرفت و ترقی حاصل می‌شود.

۳- امانت‌داری؛ باتوجه به گستردگی دایره امانت و وظایف و مناصب که در دست مدیران جامعه هست، درواقع نوعی از امانات الهی بوده که باید در ادای آن توجه شود.

۴- حسن خلق و نرم‌خویی؛ حسن خلق درواقع اخلاق انبیا و اولیای الهی بوده و می‌بایست، مسولان با تأسی و تبعیت و الگوگیری از آن‌ها، این ویژگی را به خودشان ایجاد و حفظ نمایند.

۵- مردمی‌بودن و خدمت به خلق؛ حضور بی‌واسطه مدیر در میان مردم آثار و برکات فراوانی داشته و دارد. حضور مدیر در میان مردم باعث می‌شود تا وضع زندگی آن‌ها باخبر و حقیقت‌های ناشنیده و یا برخلاف حقیقت کشف شود.

۶- خودآگاهی؛ آنچه به همه‌ای مدیران و مدیریشان، در هر بخشی که هستند، ضربه وارد می‌کند، عدم خودآگاهی، است. ولو اینکه مدیر شجاعت لازم و تقوا داشته باشد ولی نداند که امروز صف‌بندی دنیا کجاست، دشمن از کجا به او حمله می‌کند مغلوب شده و درنهایت مورد حملات دشمن قرار می‌گیرد.



۷- قاطعیت؛ بزرگ‌ترین و بارزترین صفت در زندگی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

مخصوصاً در دوران حکومت ایشان، قاطعیت بوده است. از آنجا که همه‌ای حضرات معصومین علیهم‌السلام الگو و راهنمای بشریت بوده است، لازم است مدیران محترم نیز این صفت را در صورت داشتن حفظ و تقویت و در صورت عدم، ایجاد نمایند.

۸- رعایت سلسله مراتب؛ وظایف هر مدیری است که برای سازمان‌دهی و سلسله‌مراتب ارزش قائل شوند همان‌گونه که مقام معظم رهبری ارزش قائل است.

۹- تفویض اختیار؛ هر کجا که کارها به صورت انفرادی اقدام شده، ناقص بوده ولی هر کجا که بخشی از آن به زیردستان محول شده قطعاً موفقیت و پیروزی کسب شده است.

باتوجه به ویژگی‌های یادشده در صورتی که به آن‌ها عمل شود بدون تردید مدیریت شایسته تحقق خواهد یافت و این همان مدیریتی است که مردم به دنبال آن بوده و از آن استقبال می‌نمایند.



منابع

*قرآن کریم

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.
۲. بیانات در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱۰.
۳. بیانات در تاریخ، ۱۳۸۵/۱/۶.
۴. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸.
۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۱/۲۳.
۶. بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹.
۷. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت، ۱۳۷۸/۶/۲.
۸. بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور، ۱۳۸۷/۴/۵.
۹. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲.
۱۰. بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۷۵/۹/۱۹.
۱۱. بیانات در اجتماع مردم قائن، ۱۳۷۸/۶/۸.
۱۲. بیانات در جمع مردم تبریز در استادیوم ورزشی تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵.
۱۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.
۱۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.
۱۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.
۱۶. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی در آستانه‌ی سالروز قیام بیست‌ونهم بهمن ۱۳۵۶، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.
۱۷. بیانات در دیدار مسئولان نظام در هشتمین روز از ماه مبارک رمضان در حسینیه‌ی امام خمینی (رحمة الله)، ۱۳۹۸/۲/۲۴.



۱۸. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۶/۲/۶.
۱۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از تلاوت قرآن کریم توسط قاریان، ۱۳۹۹/۲/۶.
۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۱۳۸۵/۳/۲۳.
۲۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴.
۲۲. پیروز، علی‌آقا و همکاران، مدیریت اسلامی، قم، ۱۳۸۴، چاپ پنجم.
۲۳. پیام آیت‌الله خامنه‌ای به گردهمایی اعضای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سراسر کشور، ۱۳۶۸/۳/۸.
۲۴. تقوی‌دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، ۱۳۹۳، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوازدهم.
۲۵. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶، چاپ اول.
۲۶. جوادین، سید رضا و همکاران، ویژگی‌های مدیران شایسته از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، راهبردهای مدیریت در نظام سلامت، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۱۸.
۲۷. حسین‌زاده، محمد علی، مدیران و اخلاق اسلامی، قم، ۱۳۸۶، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۲۸. حکم انتصاب آیت‌الله محمد یزدی به سمت ریاست قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۸/۵/۲۴.
۲۹. حکم انتصاب آیت‌الله محمد یزدی به سمت ریاست قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۸/۵/۲۴.
۳۰. حکم انتصاب ریاست بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۴/۳۱.
۳۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، ۱۴۱۵، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳۲. دیوبندی، محمود حسن، تفسیر کابلی، تهران، احسان، ۱۳۸۵، چاپ یازدهم.
۳۳. رحیمی، عباس، مدیر موفق، قم، ۱۳۸۶، نشر جمال، چاپ پنجم.
۳۴. رضایی‌اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، ۱۳۸۷، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ ۱.



۳۵. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، ۱۳۸۲، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱۴.
۳۶. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، ۱۳۸۷ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ یازدهم.
۳۷. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان)، ۱۳۷۰/۱/۲۶.
۳۸. شرح حدیثی درباره سیره مردمی پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۸/۱۰/۳.
۳۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، ۱۳۷۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۲، چاپ سوم.
۴۱. علاقه‌بند، علی، مدیریت عمومی، تهران، ۱۳۸۱، اول.
۴۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۳۸۸، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
۴۳. قوامی، سید صمصام‌الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، ۱۳۸۳، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول.
۴۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، ۱۳۷۶، انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
۴۵. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۷۱، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۴۶. الوانی، سیدمهدی، مدیریت عمومی، تهران، ۱۳۹۱، غزال، چاپ چهل و ششم.



References

*The Holy Qur'an

۱. Statements at the Grand Gathering of the People of Isfahan, ۸/۸/۱۳۸۰.
۲. Statements on ۱۰/۴/۱۳۸۵.
۳. Statements on ۶/۱/۱۳۸۵.
۴. Statements in Meeting with the President and Members of the Government, ۸/۶/۱۴۰۱.
۵. Statements in Meeting with System Officials, ۲۳/۱/۱۴۰۱.
۶. Statements in Meeting with Heads of the Three Branches of Government and Officials and Managers of Various Sectors of the System, ۱۹/۶/۱۳۸۷.
۷. Statements in Meeting with the President and Cabinet on the Occasion of the Start of Government Week, ۲/۶/۱۳۷۸.
۸. Statements in Meeting with Judicial Officials of the Country, ۵/۴/۱۳۸۷.
۹. Statements at the Ceremony of Endorsing the Mandate of the Twelfth Term of the Presidency of the Islamic Republic of Iran, ۱۲/۵/۱۳۹۶.
۱۰. Statements by Ayatollah Khamenei in Meeting with Officials and Agents of the Islamic Republic of Iran on the Occasion of the Blessed Eid al-Mab'ath, ۱۹/۹/۱۳۷۵.
۱۱. Statements at the Gathering of the People of Qa'en, ۸/۶/۱۳۷۸.
۱۲. Statements at the Gathering of the People of Tabriz in Tabriz Sports Stadium, ۵/۵/۱۳۷۲.
۱۳. Statements in Meeting with Professors and Students of Shiraz Universities, ۱۴/۲/۱۳۸۷.
۱۴. Statements in Meeting with Various Strata of the People, on the Occasion of January ۱۹, the Anniversary of the Uprising of the People of Qom, ۱۹/۱۰/۱۳۸۰.
۱۵. Statements in Meeting with Various Strata of the People, on the Occasion of January ۱۹, the Anniversary of the Uprising of the People of Qom, ۱۹/۱۰/۱۳۸۰.



۱۶. Statements in Meeting with a Group of People from East Azerbaijan on the Eve of the Anniversary of the Uprising of January ۲۹, ۱۳۵۷, ۲۸/۱۱/۱۳۹۴.
۱۷. Statements in Meeting with System Officials on the Eighth Day of the Blessed Month of Ramadan in the Husseiniah of Imam Khomeini (may God have mercy on him), ۲۴/۲/۱۳۹۸.
۱۸. Statements in Meeting with Officials and Agents of the Islamic Republic of Iran on the Occasion of the Blessed Eid al-Ghadir, ۶/۲/۱۳۷۶.
۱۹. Statements by the Supreme Leader of the Islamic Revolution after the Recitation of the Holy Quran by Qaris, ۶/۲/۱۳۹۹.
۲۰. Statements by the Supreme Leader of the Islamic Revolution in Meeting with a Group of Cinema and Television Directors, ۲۳/۳/۱۳۸۵.
۲۱. Statements by the Supreme Leader of the Islamic Revolution in Meeting with the President and Members of the Government on the Occasion of Government Week and on the Eve of Mid-Sha'ban, ۴/۶/۱۳۸۶.
۲۲. Pirouz, Ali Agha and colleagues. *Islamic Management*. Qom, ۱۳۸۴, Fifth Edition.
۲۳. Message by Ayatollah Khamenei to the Gathering of Members of Administrative Violations Investigation Boards Across the Country, ۸/۳/۱۳۶۸.
۲۴. Taqavi Damghani, Seyed Reza. *A View on Islamic Management*. Tehran, ۱۳۹۳, International Printing and Publishing Company, Twelfth Edition.
۲۵. Jafari, Yaqub. *Tafsir Kosar*. Qom: Hejrat Publishing Institute, ۱۳۷۶, First Edition.
۲۶. Javadin, Seyed Reza and colleagues. "Characteristics of Competent Managers from the Perspective of the Quran and Nahj al-Balaghah." *Management Strategies in the Health System*, Vol. ۵, No. ۴, Winter ۱۳۹۹, Serial No. ۱۸.
۲۷. Hosseinzadeh, Mohammad Ali. *Managers and Islamic Ethics*. Qom: Bostan Ketab Institute, ۱۳۸۶, Second Edition.



۲۸. Decree Appointing Ayatollah Mohammad Yazdi as Head of the Judiciary, ۲۴/۵/۱۳۶۸.
۲۹. Decree Appointing Ayatollah Mohammad Yazdi as Head of the Judiciary, ۲۴/۵/۱۳۶۸.
۳۰. Decree Appointing the Head of the Foundation of the Oppressed of the Islamic Revolution, ۳۱/۴/۱۳۹۸.
۳۱. Hawizi, Abdul Ali bin Jammah. *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. Qom: Esmaeilian, ۱۴۱۵, Fourth Edition.
۳۲. Deobandi, Mahmoud Hassan. *Tafsir Kabuli*. Tehran: Ehsan, ۱۳۸۵, Eleventh Edition.
۳۳. Rahimi, Abbas. *Successful Manager*. Qom: Jamal Publishing, ۱۳۸۶, Fifth Edition.
۳۴. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. *Tafsir Quran Mehr*. Qom: Quranic Interpretation and Sciences Research, ۱۳۸۷, First Edition.
۳۵. Rezaian, Ali. *Principles of Management*. Tehran, ۱۳۸۲, Printing and Publishing Organization, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Fourteenth Edition.
۳۶. Rezaian, Ali. *Fundamentals of Organization and Management*. Tehran: Organization for Research and Composition of University Human Sciences Books, ۱۳۸۷, Eleventh Edition.
۳۷. Speech in Meeting with Various Strata of the People (Twenty-Ninth Day of the Blessed Month of Ramadan), ۲۶/۱/۱۳۷۰.
۳۸. Explanation of a Hadith on the Popular Conduct of the Great Prophet (PBUH), ۳/۱۰/۱۳۹۸.
۳۹. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom, Islamic Publications Office, ۱۳۷۴, Fifth Edition.
۴۰. Tabarsi, Fadl bin Hassan. *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran, ۱۳۷۲, Third Edition.
۴۱. Alah Band, Ali. *Public Management*. Tehran, ۱۳۸۱, First Edition.
۴۲. Qara'ati, Mohsen. *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran, ۱۳۸۸, First Edition.



۴۳. Qavami, Seyed Samsam al-Din. *Management from the Perspective of the Book and Sunnah*. Qom: Secretariat of the Assembly of Experts, ۱۳۸۳, First Edition.
۴۴. Motahhari, Morteza. *Collection of Works*. Qom: Sadra Publications, ۱۳۷۶, Seventh Edition.
۴۵. Makarem Shirazi, Nasser. *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۷۱, Tenth Edition.
۴۶. Alvani, Seyed Mehdi. *Public Management*. Tehran: Ghazal, ۱۳۹۱, Forty-Sixth Edition.